

آینهٔ اطلاعات

یادداشت: «خیلی وقت نداریم!»؛ فتح … املی
با وجود همه تلاش‌های صورت‌گرفته و با وجود تدابیر اندیشیده‌شده، متأسفانه کشور هنوز از شرایط رکود تومری خارج نشده‌است. این رکود اما از تورم بسیار خطرناک‌تر است. درحال حاضر دولت بیشتر گروهایش را در سبب توافق با گروه مذاکره‌کننده غربی گذارده‌است تا با رفع کامل تحریم‌ها و آزاد شدن پول‌های بلوکه‌شده ایران، رونق نسبی در بازار کار و سرمایه کشور ایجاد شود. اما آنچه که مهم است، اینکه دولت برخلاف ادعای مقامات، هم در دوران ارایه لایحه بودجه و هم در سخنرانی‌های رییس‌جمهوری محترم با معاون اول و سخنگوی دولت، در رابطه با اقتصاد مقاومتی اقدامات اساسی صورت نداده و بیشترین نگاه و آمییش را برای خروج از بحران، به دکتر طریف و تیم مذاکره‌کننده‌هست‌های دوخته‌است و فرصت چهارماهه پیش رو نیز مجدداً فرصت و محالی است برای زنده نگه‌داشتن این امید…
دولت وقت کمی دارد، زیرا کارهای زیادی روی زمین مانده‌است. یکسال گذشت، بهتر است از این به‌بعد با سرعت بیشتری حرکت کند. بهتر است برای عمل و تحقق هر آنچه که به‌عنوان وعده دولت تدبیر و امید مطرح کرده‌است، اهتمام بیشتری به‌خرج بدهد. فرصت خدمت محدود است. قدر لحظه لحظه‌اش را بدانیم و حتی ساعتی را از کف ندهیم. کارهای بسیاری بر زمین مانده‌است. وقت غیبت و حتی وقت درد دل نداریم!



محسن رضایی: امام(ره) گفت حکم جهان می‌دهم
جنگ به یک متولی و فرمانده با اختیارات کامل در بسیج امکانات کشور نیاز داشت. آقای هاشمی از پذیرش این مسوولیت طفره می‌رفت. بالاخره در ۱۲ خرداد ۱۳۶۷، ایشان جانشینی فرماندهی کل قوا را پذیرفتند. همه فرماندهان، امیدوار شدند که حالا که جنگ صاحب پیدا کرده، دولت و کشور، به جنگ وارد خواهند شد. هرچند آقای هاشمی در اولین مصاحبه خود گفتند که من برای هماهنگی ارتش و سپاه آمده‌ام. اگر امام می‌خواستند جنگ ادامه یابد، اجازه ورود ما به داخل خاک عراق را می‌دادند… در دوران اصلاح‌طلبان می‌گویند چرا جنگ بعد از خرمشهر ادامه یافت و در دوران اصولگرایان گشته می‌شود چرا به امام، جام زهر دادند؟ آنها نمی‌دانند که با اینگونه اظهارات، موفق‌ترین نبرد ایران طی ۳۰۰سال اخیر را زیر سوال می‌برند! آنها نمی‌دانند که هشت‌سال از کارنامهٔ ۱۰ساله دوران حضرت امام، مربوط به نبردی است که تمامی قدرت‌های جهانی پشت‌سر دشمن ما، جمع شده بودند و امام، با دست خالی، آنها را شکست داد؟ چه اصراری دارند که پذیرش قطعنامه را پایان جنگ بدانند؟… حضرت امام در شرایط شکست‌های پی‌درپی و در پذیرش قطعنامه فراموند که مصلحت اسلام و نظام، حکم می‌کند که قطعنامه را بپذیریم همین امام پس از پیروزی‌های پی‌درپی لشکریان اسلام فراموند ادامه پیشروی‌ها را قطع کنید. مدتی بعد هم فراموند که ما در این جنگ یک‌لحظه هم از عملکرد خود پشیمان نیستیم، چه اتفاقی افتاده‌است؟ واقعیت این است که تغییر شرایط از شکست به پیروزی صورت مساله و ماهیت پذیرش قطعنامه را تغییر داد.

کیمیان

سرمقاله: «روز قدس راهبردی برای خیزش جهانی»؛ حسین کچویان
امسال روز قدس تحولی اساسی را پشت‌سر گذاشت… قیاس روز قدس به‌طور کلی به‌ویژه قدس امسال با روزهایی که جهان قدیم یا غرب قابلیت برپایی آن را در گستره جهانی نداشته مثل روز کارگر یا می‌کوشید آن را به روز جهانی بدل سازد، مثل تالاش فمینیست‌ها برای تبدیل روز زن به روز جهانی، از تحولی اساسی در مولانه‌نبرهای تاریخی حکایت دارد. روز قدس امسال نشان داد که تنها نیرویی که در جهان کنونی قابلیت بسیج نیرو در گستره جهانی را داشته و از این طریق می‌تواند بر روند و ماهیت تحولات آنی تاریخ تأثیر بگذارد انقلاب اسلامی ایران است. به این‌معنا و به بیان روزنامه کویتی الرای‌العالم، روز قدس امسال نشان داد که انقلاب اسلامی نقطه‌عطلی در تاریخ تحولات گسترش کمی و کیفی خود دلالت دیگری بر ماهیت تاریخ‌ساز انقلاب اسلامی در جهان کنونی می‌باشد که در مقابل آن تنها نیروهای افروت و رویه‌مرگی تجدد هم‌اوردی می‌کنند. فراخوان رسمی گروه‌های مقاومت فلسطینی به انجام راهپیمایی روز قدس در غزه و کرانه باختری، بیش از همه شایسته توجه‌است. اهمیت این تحول در این است که برای اولین بار در طول تاریخ بر گزاری مراسم روز قدس اتفاق می‌افتد.

جم‌وزی اسلامی

تکذیب حضور شبه داعشی‌ها در اردبیل
دائستان عمومی و انقلاب مرکز استان اردبیل با ارسال نامه‌ای به روزنامه جمهوری اسلامی درخصوص خبر چاپ‌شده در ستون جهت اطلاع، مورخ ۹۳/۵/۴ در مورد مشاهده فردی از تکفیری‌ها با سر تراشیده و لباس عربی و شمشیر به‌دست در اردبیل اعلام کرد؛ این خبر به‌هیچ‌وجه صحت نداشته و قویا تکذیب می‌گردد.

برای نخستین بار سال ۸۴ زمانی که هنوز «احمدی‌نژاده» شهردار تهران بود، «وحید جلیلی» در نشریه سوره برخی اتفاقات رخ‌داده در سازمان فرهنگی هنری شهرداری، (از جمله تأکید بیش از حد بر روایات و احادیث منتسب به امام‌زمن) را که زیر نظر «اسفندیار رحیم‌شایی» اداره می‌شد به انجمن «حجتیه» منتسب کرد. با روی کار آمدن دولت‌نهم این‌هشدارهاشد یافت. چندی بعد هم برادر رییس دولت سابق‌هشدار داد که انجمن «حجتیه» به «راه حقیقت» تغییر نام داده مشغول فعالیت است. «عماد افروغ» و «حسین الله‌کرم» هم از جمله دیگر اصولگرایانی بودند که هشدار دادند «حجتیه‌ای‌»های جدید در حلقه اطرافیان دولت فعال شده‌اند. این هشدارها را البته بر خسی اصلاح‌طلبان هم دادند. با یابان یافتن کار دولت دهم اما این پرسش همچنان بی‌پاسخ ماند. آیا تفکرات مشایی همان تفکرات انجمن بود؟ این پرسشی است که با «بهمن شریف‌زاده» از نزدیکان «احمدی‌نژاده» به مناسبت پنجم مرداد، سالگرد تعطیلی انجمن در میان گذاشته‌ایم. او زمانی‌هم موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران سمت‌داشت و کتابی با عنوان «گفت‌مان بهار» شامل گفته‌های «مشایی» منتشر کرد.

قسمت نخست پرونده «حجتیه» روز شنبه با نوشتار و گفتارهایی از «ارسل منتجب‌نیا» و«محمد عطر یانفر» منتشر شد. «عطر یانفر» و «منتجب‌نیا» هر دو معتقد بودند آنچه «احمدی‌نژاد» و«مشایی» مدعی آن هستند و اصولگرایان آن را تفکری «اتحرافی» می‌خوانند- با وجود شباهت- نمی‌توان خط و ربط مستقیمی با انجمن «حجتیه» پیدا کرد.

✎ آقای احمدی‌نژاد زمانی اعلام کرده بود که «در دولت من، هیچ حجتیه‌ای حضور ندارد، به نظر شما چرا! ایشان باید با این قدرت به تکذیب چنین چیزی بپردازد؟ در یکی از فصول بازنویسی‌شده «کتاب حزب‌خاندین‌زمان» که توسط عمادالدین باقی در شماره ۲۵ «ماه‌نامه» منتشر شده به مساله «تقیه» در «انجمن حجتیه» اشاره شده و اینکه هرچقدر که شواهد روشنی مبنی بر عضویت و انتساب هر فرد به انجمن وجود داشته باشد، فرد بیشتر باید مساله را انکار کند؛ دربار همه حواشی و حوادثی که پیرامون انتساب برخی نزدیکان دولت ایشان به انجمن، به‌ویژه از سوی اصولگرایان مطرح شده بود؛ شما چه پاسخی دارید؟

ما ساختاری را ابتدای بحث مطرح می‌کنم که به همه شب‌هات شما پاسخ داده می‌شود؛ تا خواننده دقیقاً متوجه شود که تفکر «حجتیه» چیست و تفکر آقای «احمدی‌نژاد» چیست. بحث در ارتباط با مذهب و ابعاد گوناگون آن اغلب در کشور ما این شبهه را به دنبال آورده که مطرح‌کنندگان این بحث چه نسبیتی با انجمن «حجتیه» دارند. به‌ویژه هراندازه مطرح‌کنندگان مباحث مذهب در این مباحث اصرار ورزیده‌اند، شب‌هات نسبت به آنها بیشتر مطرح شده است. از آغاز عرض کنم که واردکردن شب‌هات کار نادرستی است. طرح مباحث مذهب الزاما فرد را منتسب به انجمن «حجتیه» نمی‌کند.

✎ تأکید بر آن چطور؟ مثلاً نخستین‌بار آقای وحید جلیلی در ماهنامه «سوره» در سال ۸۳ و زمانی که احمدی‌نژاد شهردار و مشایی در سازمان فرهنگی – هنری شهرداری بودند، این ایراد را مطرح کرد.

حتی اصرار بر مباحث مذهب فرد را نزدیک به انجمن «حجتیه» که نام دقیقش «انجمن حجتیه مهدویه» است، نمی‌کند. درست است که این انجمن برای مبارزه با بهائیات و ترویج مذهب پی‌ریزی شد، اما مساله مذهب در قیضه این انجمن نبود و نیست و نخواهد بود، بلکه مذهب از مباحث بسیار جدی اسلامی است و اگر کلمه مهدی (عج) را به کلمه منجی بدل کنیم از مباحث بسیار مهم بسیاری از ادیان جهان است. امروز بسیاری از رسانه‌های ما از جمله صدواسیما از مهدی و مذهب سخن می‌گویند بدون اینکه متهم به داشتن تفکر حجتیه‌ای شوند.

✎ چرا با وجود همه این مسایلی که مطرح کردید و خیلی‌ها هم به آن معتقدند، دولت نهم و دهم متهم می‌شود که تفکرش به انجمن «حجتیه» نزدیک است؟ آیا این به علت وجود نشانه‌های دیگری نیست؟

زدن اتهام و انگیزه‌های واردکردن اتهام را باید از متهم‌کنندگان سوال کرد. آنچه من عرض کردم، ناموجهی‌بودن واردکردن چنین اتهامی به صرف طرح مساله مذهب و تأکید بر آن است. پس انگیزه متهم‌کنندگان چیست؟ اگر به صرف خواندن دعای فرج از سوی احمدی‌نژاد در همه مجامع بوده که نادرست است، باید دلیل بیابردن که چرا چنین اتهامی را زداند.

✎ یک نمونه‌اش همان موردی است که من از آقای جلیلی مثال آوردم یا مثلاً برادر آقای احمدی‌نژاد به این اشاره کرده بود که انجمن «حجتیه» تغییر نام داده است و طرح مباحث «فرهنگ کوروش کبیر» و ا مکتب کرده است.



بهمن شریف‌زاده در گفت‌وگو با «شرق»:

احمدی‌نژاد و مشایی «حجتیه‌ای» نیستند

مهسا جزینی

ایرانی! را به عنوان نمونه‌هایی از تفکر تغییر شکل یافته انجمن «حجتیه» در قالب جدید عنوان کرده بود. یا مثلاً پروژه «طراحی نقشه حرکت و مسیر امام‌زمان (عج)» در سازمان فرهنگی هنری شهرداری که نقدیهایی را از سوی اصولگرایان و اصلاح‌طلبان در پی داشت.

من فکر می‌کنم ترجمه عرفی و امروزی این روایت مشهور و معروف که افضل‌العمال انتظار الفرج، این است که جامعه در زمان غیبت باید مهدوی و منتظر منجی طراحی شود و اسلام بر آن تأکید کرده‌است. این افتخار ملست که جامعه اینطور طراحی شود. جامعه امیدوار هم یعنی همین؛ یعنی جامعه‌ای در انتظار مدبری که بشریت را به حقوق حقه خود برساند. طراحی نقشه فرهنگی جامعه بر اساس مذهب سفارش دین ماست. اگر داشتن این نگاه، یعنی داشتن تفکر «حجتیه» و به این وسیله خواسته‌اند که آقای احمدی‌نژاد را متهم کنند آنها خودشان متهم هستند که از اساسی‌ترین باورهای دوره غیبت یعنی باور انتظار منجی غفلت کرده‌اند. همه اندیشه و ساختار فرهنگی باید حول محور انتظار دادگستر جهان و منجی بشریت باشد تا به سمت احقاق حقوق انسان‌ها پیش برویم.

✎ ولی مساله فقط این نیست، مثلاً فرد نزدیک به رییس دولت سابق، یعنی برادر ایشان می‌گوید که انجمن به «راه حقیقت» تغییر نام داده‌است.

چه کسی گفته ایشان به رییس‌جمهوری سابق نزدیک است؟ ✎ منظورم نزدیک نسبی است. در برابر هم‌خون، ممکن است فاصله بابرها و تفکرشان به اندازه زمین تا آریا باشد.

✎ البته منظورم فکری نبود، به علت همین نزدیکی نسبی شاید برخی اطلاعات و اخبار به ایشان رسیده که چنین تحلیلی ارایه کرده‌اند. البته آقای الله‌کرم هم جایی دیگر به همین مساله اشاره کرده بودند.

ما باید به ادله و استدلال افراد دقت کنیم نه به ادعا و شعارشان. اینکه کسی بگوید این همان تفکر انجمن «حجتیه» در یک مدل و قالب جدید است، فقط یک ادعاست. من این ادعا را برای شما می‌شکافم تا درستی یا نادرستی آن معلوم شود. نخست از تفکری که متهمان انجمن «حجتیه» است، مواردی را می‌گویم. تأکید بر کلمه منتسب برای این است که شاید برخی اعضای انجمن بگویند نخیر، ما اینطور فکر نمی‌کنیم. انجمن حجتیه، مهدی را مثل همه «منجی‌باوران» منجی انسانیت می‌داند. اما تفاوت تفکر آنها در شرایط ظهور مهدی (عج) است. آنها معتقدند که منجی‌ها رو به تاریکی می‌روند و هرروز بدتر از روز پیش می‌شود؛ و وقتی به تاریک‌ترین وضع خودش رسید زمان ظهور فرا می‌رسد. این نگاهی است که برخی ارباب‌ادیان و منجی‌باوران امروز دنیا هم دارند و حتی بسیاری از افرادی که خودشان را اصولگرا می‌دانند هم دارند و تصور می‌کنند جهان رو به بدی می‌رود. انجمن «حجتیه» با این نگاه عقیده خودش را نسبت به مذهب تریسم می‌کرد و البته از برخی روایات هم استفاده می‌کرد. انجمن به این باور رسیده بود که در زمان غیبت هیچ‌کس نباید برای عدالت قیام کند و حکومت قسط و عدل تشکیل دهد.

برای همین با برپایی نهضت و تشکیل جمهوری اسلامی موافق نبود. نه این معنا که با خوب‌شدن مردم موافق نباشد؛ نه برعکس اتفاقا در حوزه فرد بسیار هم تأکید به رعایت رفتار اسلامی داشت. یادم هست که برخی

سیاست



کلاس‌های انجمن، بعد از انقلاب روزهای جامعه تشکیل می‌شد که می‌گفتند برای این است که افراد نماز، جمعه نروند. این تفکر مشهور است که منتسب به انجمن «حجتیه» است. برای این می‌گویم مشهور است که یادم هست زمانی یک‌نفر با من تماس گرفت که برخلاف آنچه تو می‌گویی ما این جور فکر نمی‌کنیم. اما فکر دکتر احمدی‌نژاد و مهندس مشایی در زمینه مذهب چیست؟ این دو نفر برخلاف دیدگاه بسیاری از مذاهب و فرق و از جمله انجمن «حجتیه» جهان را رو به سقوط نمی‌بینند. آنها می‌گویند جهان رو به‌روشنایی و کمال است و انسان‌ها روزبه‌روز بهتر می‌شوند و حقوق انسان‌ها روزبه‌روز بیشتر شناخته می‌شود و ایمان و معرفشان رو به رشد است. معتقدند که امام‌زمان (عج) اصلاً برای ناشایستگی‌ها غایب شد و علت غیبت که نمی‌تواند علت ظهور شود. علت ظهور، لیاقت است. این لیاقت وقتی پیش می‌آید که بشر تعالی پیدا کند. شاید با این وازه همه آشنا هستند. ایشان گفتنایی مطرح کرد با عنوان «گفت‌مان بهار». برخی تلقی‌شان این بود که این شعار انتخاباتی است، ولی حقیقت این نبود، بلکه این وازه عاریت‌گرفته از «ربع‌الانام»بودن مهدی (عج) است. گفت‌مان بهار در یک جمله یعنی جهان رو به بهار هستی پیش می‌رود و هراندازه به او نزدیک می‌شود، بهاری‌تر می‌شود.

✎ ولی نزدیک انتخابات، دفعات استفاده از آن بیشتر شد. اشکالی ندارد چون دکتر احمدی‌نژاد تفکر آقای مشایی را تفکر بهاری می‌داند و معتقد است که مذهبیت، باید در قالب گفت‌مان بهار در جامعه مطرح شود. در حالی که گفت‌مان انجمن «حجتیه»، گفت‌مان زمستان است. ✎ ولی گفته می‌شود که این تفکر احمدی‌نژاد تفکر آقای مشایی است و تفکر بهاری می‌داند و معتقد است که مذهبیت، باید در قالب گفت‌مان بهار در جامعه مطرح شود. در حالی که گفت‌مان انجمن «حجتیه»، گفت‌مان زمستان است. ✎ ولی گفته می‌شود که این تفکر احمدی‌نژاد تفکر آقای مشایی است و تفکر بهاری می‌داند و معتقد است که مذهبیت، باید در قالب گفت‌مان بهار در جامعه مطرح شود. در حالی که گفت‌مان انجمن «حجتیه»، گفت‌مان زمستان است. ✎ ولی گفته می‌شود که این تفکر احمدی‌نژاد تفکر آقای مشایی است و تفکر بهاری می‌داند و معتقد است که مذهبیت، باید در قالب گفت‌مان بهار در جامعه مطرح شود. در حالی که گفت‌مان انجمن «حجتیه»، گفت‌مان زمستان است.

✎ ولی گفته می‌شود که این تفکر احمدی‌نژاد تفکر آقای مشایی است و تفکر بهاری می‌داند و معتقد است که مذهبیت، باید در قالب گفت‌مان بهار در جامعه مطرح شود. در حالی که گفت‌مان انجمن «حجتیه»، گفت‌مان زمستان است.

✎ ولی گفته می‌شود که این تفکر احمدی‌نژاد تفکر آقای مشایی است و تفکر بهاری می‌داند و معتقد است که مذهبیت، باید در قالب گفت‌مان بهار در جامعه مطرح شود. در حالی که گفت‌مان انجمن «حجتیه»، گفت‌مان زمستان است.

✎ ولی گفته می‌شود که این تفکر احمدی‌نژاد تفکر آقای مشایی است و تفکر بهاری می‌داند و معتقد است که مذهبیت، باید در قالب گفت‌مان بهار در جامعه مطرح شود. در حالی که گفت‌مان انجمن «حجتیه»، گفت‌مان زمستان است.

✎ ولی گفته می‌شود که این تفکر احمدی‌نژاد تفکر آقای مشایی است و تفکر بهاری می‌داند و معتقد است که مذهبیت، باید در قالب گفت‌مان بهار در جامعه مطرح شود. در حالی که گفت‌مان انجمن «حجتیه»، گفت‌مان زمستان است.

✎ ولی گفته می‌شود که این تفکر احمدی‌نژاد تفکر آقای مشایی است و تفکر بهاری می‌داند و معتقد است که مذهبیت، باید در قالب گفت‌مان بهار در جامعه مطرح شود. در حالی که گفت‌مان انجمن «حجتیه»، گفت‌مان زمستان است.

شکایت از تخلفات اداری دولت احمدی‌نژاد به کمیسیون «اصل ۹۰»

می‌فرمود در طول ولایت معصوم بدایتم، مطرح‌کردن گفت‌مان مهدوی، نه‌فقط موجب تضعیف ولایت‌فقیه نمی‌شود که سبب تقویت آن نیز می‌شود. آنها که طرح گفت‌مان مهدوی را سبب تضعیف موضوع ولایت‌فقیه می‌دانند، ظاهراً قرات انجمن «حجتیه» را تنها قرائت از گفت‌مان مهدوی می‌دانند. زیرا بنابر این گفت‌مان است که شرط ظهور منجی، سقوط جهان در تاریکی و ظلم است. پس نباید تلاش برای برپایی عدالت انجام داد و وقتی هرگونه نادرست باشد، پس دیگر ولایت‌فقیه، جایگاهی نخواهد داشت و برای همین بود که انجمن «حجتیه»، ولایت‌فقیه را آنگونه که امام (ره) مطرح می‌کرد، باور نداشت.

✎ اما مطرح می‌شود که این گفت‌مان قرات دکتر احمدی‌نژاد و مهندس مشایی

که همان گفت‌مان امام (ره) از مذهبیت است، شرط ظهور را رشد جهان می‌داند و برای رشد باید حرکت کرد و هر حرکتی باید بر حجتی استوار باشد و یکتا حجت در زمان غیبت مهدی، فقیه‌ی است که جامع شرایط زعامت باشد و این تأیید و تأکیدی جدی بر موضوع ولایت فقیه است.

✎ اما مطرح می‌شود که این گفت‌مان به نوعی فرقه‌گرایی دامن می‌زند. مثلاً وقتی برادر رییس‌جمهوری می‌گوید که برخی اعضای انجمن به «راه حقیقت» تغییر نام داده‌اند. یعنی اصلاً این بحث به کل غلط است؟ چنین انجمنی وجود ندارد؟

✎ شما ولی به این سوال من پاسخ ندادید. بالاخره، اصلاً چنین انجمنی وجود دارد یا نه؟ همین را جواب می‌دهم که اصلاً جامعه جهانی باید بر اساس این گفت‌مان طرحی شود.

✎ سوال من مشخص است، شما جواب ندادید.

جواب سوال همین است. گفت‌مان «مهدویت» یک گفت‌مان جهانی است و گفت‌مان جهانی فراتر از یک فرقه و حتی یک ملت می‌شود؛ برخلاف گفت‌مان زمستان و تفکر غلطی که جهان را رو به سوی تاریکی می‌داند. اصلاً مضحک است که ما تفکر آقای مشایی واحمدی‌نژاد را در قالب یک فرقه مطرح کنیم.

✎ ولی ترویج این نگاه و تفکر به سازماندهی نیاز دارد، ندارد؟ یک جمع اولیه که شروع به فعالیت و برنامه‌ریزی کند.

برای همین ایشان در سازمان ملل این بحث را مطرح می‌کند. ممکن است برسید چرا بحث دینی و عرفانی در سازمان ملل مطرح شد؟ هدف ایشان از طرح انسان کامل یک بحث انسانی بود. چون معتقد است انسان می‌تواند به این هدف برسد و امام‌زمان(عج) هم یعنی انسانی که همه استعدادها در آن شکوفا شده و ما به چنین جایی می‌خواهیم برسیم. احمدی‌نژاد می‌خواست این را به بشر بگوید که تو بزرگ‌تر از آن هستی که معرفی کرده‌اند و به این‌وسيله عواطف بشری را برای حرکت به سمت معرفتی بالاتر، تهییج کند. تهییج عواطف انسانی قدرت زیادی در به حرکت در آوردن انسان‌ها دارد و هدف آقای احمدی‌نژاد هم همین بود.

✎ مگر آقای احمدی‌نژاد چنین وظیفه‌ای داشت؟ ایشان هشت سال رییس دولت کشور خود بودند؛ باید برای مملکت خودش کاری می‌کرد. مسوولیتی در برابر جهان نداشت!

مگر این کار را مدعیان حقوق بشر انجام نمی‌دهند؟ چرا مساله حقوق‌بشر را کشورهای دیگر مطرح می‌کنند؟ برای اینکه عواطف جهان را به سوی این‌مسایلی هدایت کنند. احمدی‌نژاد با طرح موضوع مدیریت مشترک جهان می‌خواست که این مدیریت کند، بلکه معتقد بود باید همه دولت‌ها در مدیریت جهان سهیم شوند؛ نه فقط چند کشور و این گاهی رو به سوی مدیریت مهدوی بر جهان است.

✎ برای اینکه خیلی از بحث دور نشویم من یک سوال دیگر هم مطرح می‌کنم: آیا انتشار سدی‌ی «ظهور نزدیک است»، در راستای ترویج همین تفکر بهاری نبود؟ اگر صرفاً ترویج تفکر مذهبیت بود پس چرا با آن برخورد شد؟ سدی‌ی «ظهور»، کوچک‌ترین ارتباطی با دکتر احمدی‌نژاد و مهندس مشایی نداشت؛ اگرچه در این «سدی» نکاتی درباره احمدی‌نژاد گفته شده است. اما گفت‌مان «بهار»، شفاف‌تر، منطقی‌تر و معقول‌تر از آن است که بخواد با تبار فقیه‌ای بر افراد، «امهدویت» را توجیه و تفسیر کند. من بارها از زبان مهندس مشایی شنیدم که نمی‌توان بر احادیث علایم ظهور تکیه کرد و تکلیف را بر اساس آنها تعیین کرد؛ چه بسا برخی از این احادیث، درست نباشد و آنها که درست است، مفهوم نباشد و نتوان آنها را به درستی فهمید، بنابراین اصلاً نباید برای ترویج «امهدویت» به چنین احادیثی تکیه کرد؛ چه برد

همه به اینکه خواهیم آنها را بر افراد تطبیق دهیم.

ادامه از صفحه اول

بنیادگرایی صهیونیسم

آیا در بیان جنایت هم باید تبعیض قایل شد و آن را به جنایت خوب و جنایت بد، تقسیم کرد؟ در تعقیب روش‌های رسانه‌های غربی، می‌توان به وضوح دید این رسانه‌ها خود به میزان زیادی در تشویق تلویشی جوانان مسلمان مقیم اروپا برای رفتن به سوریه و جنگ علیه اسید سهیم بوده‌اند اما تا آن حرکت به نتایج موندنظر نرسید و سوریه ویران نشد، به خطرات بازگشت این بنیادگرایان عمدا کمترین توجهی نشد و رسانه‌های غربی در این زمینه زبان در کام کشیده بودند. مهم‌تر این است که اینک هم که پرده‌ها بالا رفته و نقش منافع غرب در جنگ خائمانسوز در لیبی، سوریه و عراق روشن شده‌است، هنوز هم رسانه‌های غربی نمی‌گویند چه کشورهای غربی این آمکشان جوان را تجهیز کردند تا قلب اسبیر زنده از این بدن خارج کنند و در مقابل دوربین تلویزیون بخورند! در رسانه‌های غربی فعلانمی‌توان ردی دید که چگونه افراد نفوذی سازمان‌های جاسوسی غربی در مساجد تندروان مسلمان، علمای متوهم اروپا را تحریک کردند تا ناخودآگاه برای داعش سراب‌گیری کنند.اما شکی ندارم که این واقعیت چندسال بعد برملا خواهد شد. هدف سیاست‌های غربی و آن‌دسته از رسانه‌های تحت نفوذشان، تقسیم خاورمیانه بود برای چیزی به نام «نظم نوین خاورمیانه» و بدنام‌کردن کردن اسلام که زمینه آن به مدد توهم بعضی از کشورهای منطقه فراهم شده بود! در غرب، مدتی است زبان علمای متوهم مسلمان را بسته‌اند. هر گفته تندروانه ایشان به‌سرعت رسانه‌ای می‌شود تا گوینده به آن‌وا کشیده شود و این کاری است لازم، اما گویا این اقدام به‌دلایل سیاسی بسیار دیر انجام شده است. به واقع مسلمانان این کشورها را رفتار تبعیض‌آمیز غرب نسبت به کشورهای اسلامی و لاینحل ماندن مساله فلسطین و بی عدالتی آشکار به آوارگان فلسطین، به فریاد آمده‌اند و گروه قابل توجهی از جوانان حساس و تندروشان به جان آمده و اختلاف کرده می‌کنند از راه نظامی می‌توانند دنیا را به شکلی که می‌خواهند تغییر دهند. چنین شد که قابلیت جذب به گروه‌های تندروی در ضمیر آنها فراهم آمد. به همین دلیل با وجود امکاناتی که در مقایسه با بسیاری از کشورهای اسلامی برای آنها در غرب فراهم است، چون هویت فرهنگی و مذهبی‌شان به گزینای معتزله‌مانه به رسمیت شناخته نشده‌است، مفت و ارزان جذب سازمان‌های تندرو می‌شوند. سوال نهایی این است که آیا غرب به این نتیجه، رسیده که با سیاست حمایت یکجانبه از اسرائیل، به بهیراه می‌رود؟ آیا برای نشان دادن مخالفت با گسترش نفرت مذهبی، «جی سندرسون» رییس فدراسیون یهودیان لس‌آنجلس بزرگ هم مورد تعقیب قرار می‌گیرد تا از این پس به نفرت مذهبی دامن نزند و خونریزی و آدم‌کشی و قتل‌عام کودکان غزه را تبلیغ نکند؟ اصولاً دولت آمریکا به آن دسته از جوانان یهودی آمریکایی که برای دفاع مسلمانانه از اسرائیل به آن کشور رفته‌اند، اجازه بازگشت بی‌حکامه به آمریکا را خواهد داد؟ می‌دانیم که بر اساس قوانین آمریکا، کسانی که توطئه آمریکا را دارند، نمی‌توانند خلاف منافع آمریکا اقدام کنند. آیا رفتن به غزه، شرکت در حمله مسلحانه و به قول رییس فدراسیون یهودیان لس‌آنجلس بزرگ، اقدام ماکس اشتینبرگ و شان کرملی، دفاع از منافع آمریکا تلقی می‌شود؟ اگر چنین است، چرا واشنگتن آن را رسماً اعلام نمی‌کند؟

عید فطر، جشن مهار هوای نفسانی

علی(ع) در خطبه عید فطر می‌فرماید: وادو فطرکم فانها سنت نبیکم؛ زکات فطره خود را بپردازید که واجب سنت پیامبر است و خداوند این قانون را افرض و این کرده است. زکات فطره، علاوه بر گذشت مالی و رهایی از تعلقات دنیوی که بعد اخلاقی آن است، جنبه اقتصادی و اجتماعی آن مورد اهتمام است؛ برای اینکه ماه رمضان، که گفته شده، ماه برابرشدن فقیر و غنی است یعنی باید فاصله‌های طبقاتی در این ماه کاهش یابد تا همه یک‌سامه شوند و جشنین رنج گرسنگی حال نوبت آن است که در روز عید فطر فقیران و گرسنگان جامعه را درباریم غزالی در کتاب احیای علوم می‌گوید یکی از ادب‌رودارهای آن است که روزدار در روز رنج گرسنگی را در نظر بگیرد و در روزی که روزدار نخسید تا گرسنگی و تشنگی احساس کند. چشیدن رنج گرسنگی از فلسفه‌های مهم این فریضه است تا به درد و رنج گرسنگان ایام سال، به‌ویژه ظلمه‌های آن در این روزها را فراموش و سایر بلاد مسلمانان صورت می‌گیرد و شاهد هستیم، آشنا شویم و برای درمان این بلای بزرگ بکوشیم. فقر و گرسنگی در اسلام مورد توجهش قرار گرفته و مهربان فکر است. دعای هر روز ماه مبارک این بود: اللهم اغن کل فقیر» یعنی فقر باید به بی‌نیازی تبدیل شود. بنابر گزارش‌های اخیر یک‌چهارم نقدینگی کشور در دست ۱۰۰مخفر از هفتاد وچند میلیون نفر می‌چرخد! اگر رمضان پایان بید و عید فطر بگذرد و این مسایل سامان نیابد تو گویی رضایی در کار نبوده و عید فطری محقق نشده‌است. گرسنگی در ماه مبارک رمضان یعنی مبارزه با گرسنگی کسانی که همیشه گرسنه‌اند و از فقر و ناداری و نابرابری رنج می‌برند. یعنی مبارزه با کسانی که ثروت‌های بی‌حساب انباشته‌اند و به بیاد محرومان و قاقان شرایط اولیه زندگی دیگر آدمیان نیازمند در عید فطر که جشن بزرگ مسلمین است، باید روح‌های سرکش آرام گرفته باشد، مظلومی در جامعه نباشد و معصیت خدا صورت نگیرد. نمی‌توان نماز عید گزارد و آن روز را مبارک گفت و حال آنکه مشکلات اجتماعی و اقتصادی مسلمین سامان نیافته باشد. کسانی که گرفتار آتش خشم و شهوت قدرتند تعالید در آنها راه پیدا کرده‌است. مسلمین در این ماه مبارک شاهد آدم‌کشی و نسل‌کشی در غزه و عراق بوده‌اند که صاحبان قدرت و برخی به نام دین برای حفظ قدرت خود آتش خشم خود را بر مردم بی‌پناه فروخته‌اند. امام علی(ع) فرمود: «روزی که بر خدا معصیت نشود و ظلمی بر سر آدمیان نرود آن روز، روز عید است.»

ادامه در صفحه ۱۵